

حرف مردم

زهن رضوی

با پیگیری «سرزده خراسان رضوی» و همکاری مدیر کل اداره اتباع، کودکان بیمار افغانستانی جراحی شد

زندگی؛ هدیه «سرزده» به ریحانه

گزارش

محمد یهودی نیا

«...مرد جوان افغانستانی باچهره‌ای غمگین، از جا بلند می‌شود تا سالن را ترک کند. خودم را به او می‌رسانم و سر حرف را باز می‌کنم. مرد افغان که خودش را «علی محمد» معرفی می‌کند، در حالی که نامیدی در چشم‌هایش موج می‌زند، می‌گوید: «دخترم که یک سال و پنج روز بیشتر ندارد، سرطان گرفته و دکترها گفته‌اند باید هر چه سریع‌تر جراحی شود. دختر من کلایک گواهی ولادت و یک کارت وا کسن دار دو بیمارستان اصرار دارد باید مدارک کامل بیاوری وگرنه عمل نمی‌کنیم. من رفته‌ام اداره کفالت، از آن‌جا من را فرستاده‌اند کنسولگری، از کنسولگری فرستاده‌اند اداره گذرنامه‌و از آن‌جا هم گفته‌اند بیایم این‌جا. امروز هم هیچ جوابی به من ندادند. چند روز است که من راپاس کاری می‌کنند. اگر دخترم را هر چه زودتر جراحی نکنم، می‌میرد. به‌هر کدام از مسئولان اداره هم می‌گویم، می‌گویند: باید دستور ات لازم برای مواردی مثل دختر شما که اسمش در سیستم ثبت نیست، از تهران بیاید. ما چرا از این‌جا قرار است که من گذرنامه افغانستانی دارم و همسرم کارت اقامت. همین موضوع که یکی مان گذرنامه و دیگری کارت اقامت داریم، باعث شده به دخترم مدارک شناسایی ندهند. دختر من دارم می‌میرد و نه

پزشکان بیمارستان‌های افغانستان قبول می‌کنند این بچه را عمل کنند، نه این‌جا. مانده‌ام چه کار کنم.» با شنیدن صحبت‌های این مهاجر، کنجکاومی شوم و از یکی از کارمندان اداره اتباع، می‌خواهم روند دقیق رسیدگی به این موضوع را توضیح دهد که بایی تفاوتی می‌گوید: «هیچ کاری نمی‌شود انجام داد. بچه این‌اquadر سیستم، شناسایی نمی‌شود. باید صبر کند تا هر زمان دستور العمل صادر شد، بیاید و کارش را پیگیری کند.» می‌گویم: «ولی این بچه باید تا چند روز دیگر عمل شود.» کارمند به تندی پاسخ می‌دهد: «من که سر خود نمی‌توانم دستور العمل صادر کنم. اگر جواب بیشتر می‌خواهی، برو پیش رئیس اداره.» چند دقیقه بعد، در اتاق مسئول اداره اجرایی پناهندگان هستم اما همان کارمند که این‌جا هم حضور پیدا کرده، ادامه می‌دهد: «شما حق نداری به رفتار من اعتراض کنی. شما جایگاهی نداری که با من صحبت کنی. برو هر چیزی که دوست داری بنویس. اصلا حرف‌هایم را به استاندار بگو.» با تعجب به رئیس که در برابر صحبت‌های این کارمند سکوت کرده، نگاهی می‌اندازم که در نهایت می‌گوید: «مورد دختر این‌اquad جزو موارد خاص است و شما اگر سوالی در این باره دارید، می‌توانید اطلاعات بیشتر را از مسئول روابط عمومی اداره بگیرید.» با پیگیری ما، مسئول روابط عمومی رویه کار را برای این مهاجر توضیح می‌دهد و در ادامه، برای پیگیری امور در مانی فرزندان این مرد افغان، با چند پزشک و مرکز درمانی تماس می‌گیریم تا گشایشی حاصل شود.



در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

در بیمارستان

اوایل بهمن ماه سال گذشته به صورت «سرزده» برای تهیه گزارشی به «اداره کل امور اتباع و مهاجران» خراسان رضوی رفته بودیم. در این اداره کل، با جوان افغانستانی مواجه شدیم که برای گرفتن نامه‌ای برای جراحی اورژانسی به دختر بچه اش که حدود یک سال داشت، به این اداره کل مراجعه کرده بود. بعد از بی نتیجه ماندن تلاش‌هایمان، در نهایت طی تماسی تلفنی با «سیدعلی قاسمی» مدیر کل اداره امور اتباع و مهاجران استانداری خراسان رضوی، وی اعلام کرد: «این جزو موارد خاص است و بر برای اکثر افراد، استثنائاتی وجود دارد. این فرد می‌تواند با مراجعه مستقیم به دفتر بنده، گواهی و نامه لازم برای حل مشکل اش را دریافت کند و رسیدگی‌های لازم برای حل این مشکل خاص، انجام خواهد شد.» سپس به واسطه پیگیری‌های روزنامه خراسان رضوی و با استفاده از اختیارات خود، نامه‌ای برای جراحی اورژانسی این کودک به بیمارستان ارسال و عمل این کودک را بلا مانع اعلام کرد. حالا بعد از گذشت یکی دو ماه، علی محمد با ما تماس گرفته و خبر جراحی موفقیت آمیز کودک را داده‌است. برای اطلاع بیشتر از وضعیت ریحانه (دختر بچه افغانستانی) به منزل آن‌ها رفتیم. وقتی به محل زندگی علی محمد رسیدیم، برای استقبال از ما خودش را به سر کوچه رسانده بود. دیگر نشانی از نگرانی در چهره‌اش دیده نمی‌شد و مثل روزهایی که او را در اداره کل اتباع دیده بودیم، ابروهایش در هم کشیده نبود. حالا بخند می‌زد و ما را به خانه اش دعوت می‌کرد.

قصه از کجا شروع شد؟

به خانه که وارد شدیم، علی محمد رفت و در حالی که ریحانه را در بغل داشت به اتاق برگشت. حالا نشانه‌ای از بیماری در چهره ریحانه نبود. از علی محمد می‌پرسیم ریحانه می‌تواند حرف بزند؟ با خوشحالی جواب می‌دهد: فعلا یک کلمه می‌گوید: «بابا». از علی محمد درباره قصه بیماری ریحانه می‌پرسیم که می‌گوید: «آذر ماه سال قبل بود که بی‌قراری‌های ریحانه شروع شد. هنوز یک سالتش هم نشده بود و زبان نداشت که در دشر ا بگوید. هر کاری می‌کردیم آرام نمی‌گرفت. کمی بعد که من برای سرزدن به خانواده و فامیل به افغانستان رفته بودم، مادر ریحانه متوجه وجود یک برآمدگی کنار کلیه ریحانه شده و بچه را برای معاینه پیش دکتر برده بود. وقتی خبر بیماری را لاخترم به من رسید، بلافاصله

شما مخاطبان گرامی روزنامه خراسان رضوی می‌توانید سوژه‌ها، مطالب، یادداشت، دلنوشته و عکس‌های خود را برای صفحه پیگیری حرف مردم ارسال کنید.

۰۹۳۹۳۳۳۰۲۷

kho.razavi@gmail.com

برای اطلاع مسئولان

مخاطبان گرامی، ستون «برای اطلاع مسئولان» صدای شما را به‌صورت مستقیم به اطلاع مسئولان استان می‌رساند.

پيامك: ۲۰۰۰۹۹۹ **تلفن:** ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱ **تلكرام:** ۰۹۳۹۳۳۳۰۲۷

شهرداری

كاش شهرداری در ورودی پارک کوهسنگی، خیابان رودکی ۳۴، برای رفت‌وآمد سالمندان، خودروی برقی بگذارد چون خیلی پیاده‌روی دارد.
در شهر مشهد، یک قطعه گم شده هست که سال هاست خارج از خدمات شهرداری قرار گرفته. منطقه ۶ شهرداری، ناحیه ۲، ابتدای چهارراه ساختمان، ورودی خیابان پورسینا، حدفاصل حر ۲ و حر ۱/۲. این فضا شاید ۷۰۰ متر هم نباشد اما حدود ۲۵ سال است که به فراموشی سپرده شده. لطفا این منطقه را در بایید.

ظاهر شهرداری منطقه، توانایی حل مشکل تردد خودروها در مسیر پیست پیاده‌روی بوستان آشوار اندازد و به همین دلیل، خطر ازدیاد عابران پیاده را که در حال پیاده‌روی‌اند، تهدید می‌کند.
ما که هر چه به شهرداری منطقه ۱۱ گفتیم، هیچ کاری نکرد. ماز خودروهای پارک شده نمایشگاه‌های خودروی بولوار معلم که شب‌ها ترافیک سنگینی از میدان زندان تا دانشجو ایجاد می‌کنند، واقعا خسته‌ایم. لطفا قدمی برای حل این مشکل بردارید.

شهرداری دو سال است سرتاسر خیابان قنری را میخ و آهن تیز نصب کرده و راه رفتن عادی هم کف این خیابان مشکل است، چه برسد راندن دوچرخه و خودرو!

از شهردار محترم منطقه ۹ می‌خواهیم به آسفالت صیاد ۵۶ هم رسیدگی کند.

من ساکن میدان ویلا، خیابان هفت تیر ۲۳ هستم. این جایک پارک محله‌ای کوچک هست که در آن برای بچه‌ها، وسایل بازی گذاشته‌اند اما از هر وسیله، به خصوص تاب که بین بچه‌ها پرطرفدار است، فقط یک عدد هست و همیشه سر استفاده از آن، صف و دعواست و بارها شاهد گریه بچه‌ها به این خاطر بودم. فکر نمی‌کنم نصب چند وسیله بازی، برای شهرداری منطقه هزینه چندانی داشته باشد ولی دل یک محله را شاد می‌کند.

در روستای حسین آباد سادات، در کنار نانوایی روستا و رویه منزل، «مردم اغل گوسفند در ست کرده و همسایگان از بوی نامطبوع و فضای غیر بهداشتی به ستوه آمده‌اند.

شهستان‌ها

در روستای حسین آباد سادات، در کنار نانوایی روستا و رویه منزل، «مردم اغل گوسفند در ست کرده و همسایگان از بوی نامطبوع و فضای غیر بهداشتی به ستوه آمده‌اند.

دوربین خوانندگان



شهروند خبرنگار

پیاده‌رو به مثابه دارایی شخصی

تصویری که ملاحظه می‌کنید، خودروهایی است که توسط این کارواش، شسته و در پیاده‌روی یکی از بولوارهای اصلی شهر (بولوار جانباز) قرار داده شده‌اند و عجیب است که این حرکت، با چشم‌پوشی شهرداری و پلیس را هور همراه شده.



شهروند خبرنگار

ساعت جمع‌آوری زباله را به‌خاطر بسپاریم

چندین روز است ما عابران کوچه‌های محله توفیق، با این منظره مواجه می‌شویم. کیسه‌های پاره شده زباله و زباله‌های بیرون ریخته که همه‌جا ی کوچه به چشم می‌خورد و منظره ناخوشایندی رقم می‌زند. از آن‌جا که ساعات کار با کبان‌های شهرداری، در هر محله مشخص است، تقصیری متوجه شهرداری نیست و مهم است شهروندان در ساعات مشخص شده زباله‌های‌شان را دم‌در بگذارند تا چنین بلایی سرشان نیاید و چهره محله، زشت و آلوده نشود.

لطفاً

پیگیری

کنید

پيامك: ۲۰۰۰۹۹۹

تلفن: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱

نمبر: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۲۹